کاربرگ ۱

۱-

الف) دوستانتان / ب) روز جمعه/ نوشتید

۲-

۱) برنج / ۲) نُه / ۳) خانه‌ها / ۴) پلیس / ۵) پرستار / ۶) متن‌ها

۳-

الف) دانش‌آموزان / ب) بازیکن / ج) پیراهن / د) اتوبوس / هـ) هفت

۴-

۱) أطْبَخُ / ۲) وَجَدْنا / ۳) وَقَفوا / ۴) جَلَسَتْ / ۵) وَصَلْنَ

۵- رَسائل ← نامه‌ها / شُرطیّ ← پلیس / جُنود ← سربازان / غُرابان ← دو کلاغ / ألوان ← رنگ‌ها

۶-

الف) ۱ / ب) ۱

۷-

الف) ۱- والد ۲- الحديقة ۳- سوداء / ب) ۱- سوء ۲- رخيصة ۳- بداية، أوّل

۸-

الف) الذَّهَبُ قيمَتُهُ غاليةٌ جدّاً.

ب) الفُستانُ من ملابس النّساء و البنات.

۹-

الف) آن‌ها فوتبال بازی کردند.

ب) سال تحصیلی جدید مبارک است.

ج) شکر می‌کنم خداوند برای اینکه شما بر فهمیدن متن‌ها و عبارت‌های ساده توانا هستید.

کاربرگ ۲

۱-

۱) کم ۲) لِمَن ۳) أیْنَ
۴) هَلْ ۵) مَن

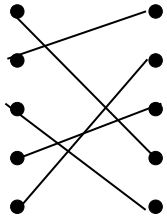
۲-

۱) کَسَبتُم (جمع مذکر مخاطب)
۲) دَخَلوا (جمع مذکر غایب)، جاء (مفرد مذکر غایب)
۳) تَرَکتنّ (جمع مؤنث مخاطب)

۳-

۱) ذکرتُما / ۲) لَبِستُ / ۳) کَتَبتُنَّ / ۴) وَصَلْتُم / ۵) شَرِبْتَ / ۶) سَمِعُوا

۴-



لونُ الغُراب و النَملة — الخریف
أحدُ الألوان عَلَمَ الجُمهوریة الإسلامیة — أسود
ما هی أیّام الأسبوع — أبیض
فصلُ سُقوطِ أوراقِ الأشجار — السبعة
مُتضاد «أسْوَد» — احمر

۵-

۱) رَفَعَوا ۲) ذَهَبْتُم ۳) ندارد ۴) ندارد

۶-

۱) وَجَدْنا ۲) سَمِعَتْ ۳) رَجَعوا ۴) وَصَلَ

۷-

۱) درست ۲) نادرست ۳) درست

کاربرگ ۳

-۱

۱) قرمز / ۲) آمیخته / ۳) آشکار، روشن / ۴) متن‌ها / ۵) گویی / ۶) آهنگر

-۲

۱) قرآن و حدیث‌ها به زبانی عربی آشکار است.
۲) بیش‌تر اسم‌های پسران و دختران در جهان اسلامی، عربی است.
۳) تو معنی آیه‌ها و حدیث‌های آسان را می‌فهمی.

-۳

۱) الف ۲) ب

-۴

۱) تَأکُلُ ۲) قَبِلْتُ ۳) بَحَثْنا

-۵

۱) می‌دانم ۲) تو، آسان، می‌فهمی
۳) پراکندن آن است (پخش کردن آن است). ۴) پنهان کند، نادان است.

-۶

۱) قرارداد / ۲) یاد کرد / ۳) خدمت کرد / ۴) می‌توانم / ۵) پنهان کرد / ۶) موفق شد

-۷

اللّسان: بلاءَ الإنسان فیه. الأمهات: الجنّة تحت أقدامهنّ. القرآن: بلسانٍ عربیّ. الذَّهَب: الوقت مِثْله

-۸

۱) هر، چیزی / ۲) ای خواهرم، می‌خوری / ۳) سوره، حفظ می‌کنی

۹- گزینهٔ ۲

۱۰- گزینهٔ ۳

کاربرگ ۴

۱-
۱) اَبحثُ ۲) تَعْمَل ۳) تَحْمَلین ۴) أغْسِلُ

۲-
۱) نَعَم، أذهبَ ۲) نَعَم، ألعبَ ۳) نَعَم، اَنظرَ ۴) أکْتُبَ واجباتی

۳-
۱) مَن ۲) تَحصُدُ ۳) کیف ۴) تَشْربین

۴-

ماضی	مضارع	ترجمه
سَمحتِ	تَسْمَحین	اجازه می‌دهی
شربتَ	تَشْرَبُ	می‌نوشی
صنعتُ	أصْنَعُ	می‌سازم
عرفتِ	تَعْرِفین	می‌دانی
قدرتِ	تَقْدرین	می‌توانی

۵-
۱) تَذهبَ ۲) تَشْکُرین ۳) أجلسَ ۴) تَدْخُلین

۶- گزینهٔ ۴)؛ تقدرْ

۷-
۱) تَنْظُرین ۲) تَقْدرُ ۳) تَشْکُرَ ۴) ذهبتُ
۵) شَکَرَتْ ۶) تَرْجِعُ ۷) أفعَلُ ۸) جعلتِ

۸-
۱) نصّ ۲) سرّ ۳) عالَم ۴) کلمة
۵) قاعدة ۶) اُمّة

۹- گزینهٔ ۱
۱۰- گزینهٔ ۱
۱۱- گزینهٔ ۲
۱۲- گزینهٔ ۳

کاربرگ ۵

۱-

۱) أحبّ ۲) سوف أكتبَ ۳) تَنْجَحَ ۴) تُكْتُبين

۲-

۱) شهرها / کشور ۲) پیشرفت ۳) چشمه ۴) ورزش

۵) نانوا ۶) شغل ۷) آینده ۸) معاینه کرد

۳-

۱) درس امروز، شغل آینده ۲) دوست دارم، مهمی، پیشرفت ۳) باغ‌های دانشمندان

۴) خواهم شد، موبایل جدیدی ۵) شغل‌ها ۶) ورزشکاری، فوتبال

۴-

الف) گزینهٔ ۱ ب) گزینهٔ ۲ ج) گزینهٔ ۱ د) گزینهٔ ۲

۵-

۱) چند کتاب در کیفت هست؟

۲) تو آهنگر هستی، درها و پنجره‌ها را می‌سازی.

۳) نهایت عقل اعتراف کردن به نادانی است.

۴) میوهٔ عقل مدارا کردن با مردم است.

۵) من آشپزم، غذای خوشمزه‌ای می‌پزم.

۶) هر شغلی مهم است و کشور به همهٔ شغل‌ها نیازمند است.

۶-

۱) رياضة: ورزش ۲) حدّاد: آهنگر ۳) موقف: ایستگاه ۴) مَرضی: بیماران

۷- گزینهٔ ۳

۸- گزینهٔ ۲

کاربرگ ۶

۱-
۱) تَذْهبين ۲) تَعْبُدين ۳) تَرْجِعُ
۴) أعْمَلُ ۵) تَحْفظُ ۶) أشْرَحُ

۲-
۱) تَذْكُرَ ۲) تَسْجُدين ۳) أفْتَحُ ۴) تَصْنَعين

۳-
۱) سوف تَفْرحُ، سَتَفْرحُ ۲) سوف تَحْفظِينُ، سَتَحْفَظين ۳) سأشْرحُ، سوف أشْرَحُ
۴) سوف أكْتُبُ، سأكْتُبُ ۵) سوف تَذْكُرُ، سَتَذْكُرُ ۶) سَوْفَ تَذْهَبين، سَتَذْهَبين

۴-
۱) تَذْهَب ← تَذْهبين / ۲) تَرْفَعُ ← أرفَعُ / ۳) تَشْكُرَ ← تَشْكُرين / ۴) تَرْجِعُ ← تَرْجِعين

۵-
۱) أنتَ تَسجُدُ لربّک أيّها الرّجل.
۲) أيّها الخبّاز، تطبخُ الخُبز من السّاعة الخامسة.
۳) يا أمّ محمّد! هَلْ تَحْفَظين آيّةً من القرآن؟
۴) أنتِ موظّفةٌ، تَكْتُبين رسائل إداريّة.
۵) أيّها المعلّم، أنتَ تَذْهَبُ إلى بيتِک.
۶) أنا طفلةٌ، ألعَبَ فى الغرفِة.

۶-
۱) أنا فى الصّفّ الثّانى. ۲) أنا من شيراز. ۳) أسألُ سؤالاً مهمّاً.
۴) نَعْم أفتحُ عينى. ۵) فى الأسبوع، سبعةُ أيّام. ۶) أذهبُ إلى البيتِ.

۷- گزینهٔ ۴
۸- گزینهٔ ۳

کاربرگ ۷

۱-

۱) نقره ۲) اسب ۳) می‌فهمد
۴) سخن ۵) آینده ۶) جرّ و بحث ۷) کار
۹) دوستداران

۲-

۱) درست ۲) نادرست ۳) درست

۳-

۱) اسب، مادرش، می‌رود. / ۲) گاو، نیست. / ۳) شرح می‌دهد، می‌شنود. / ۴) چمدان، می‌خواهم.

۴- گزینهٔ ۱

۵-

۱) و هر کس شکر می‌کند پس فقط برای خودش شکر می‌کند.
۲) پدر ما در کارخانه کار می‌کند و مادر ما در کتابخانه کار می‌کند.
۳) پدر بزرگ من از ما کمکی نخواست.
۴) ما برای حفظ پاکیزگی طبیعت به کوه می‌رویم.
۵) این دختر در آزمایشگاه کار می‌کند.

۶-

۱) تَجْمَعُ / ۲) تَعْمَل / ۳) تَنْصُرَ / ۴) یَعْمَل / ۵) یَسْمَعُ

۷-

۱) او درسش را با دقت می‌خواند.
۲) دانش‌آموز سخن معلمش را می‌شنود.
۳) این دانشمند آسمان را دوست دارد.

۸-

الف) شَکَرْتَ / أشْکُرَ ب) عَبَرْتَ / تَعْبرینَ

۹-

۱) باید برگردی / ۲) دنبال راه حل می‌گردد. / ۳) برای خودش / ۴) به او خدمت می‌کنیم.

کاربرگ ۸

۱-

۱) شاهَدَ / ۲) بَحَثَ / ۳) تَعمَلُ / ۴) لَعِبْنا / ۵) يَعبُرَ / ۶) غرَقتْ / غرقتَ / ۷) أنصُرَ / ۸) يَكْذبُ

۲-

أنتِ تَكْذبين/ المرأةُ تَنْفَعين/ نَحْنُ نَرجِعُ/ المُديرةُ تَنْجَحُ/ هُو يَعْرَفُ/ أنا أذْهَبُ

۳-

الف) ۱) خطايا / ۲) أنهار / ۳) أطعمة / ۴) شُهداء

ب) ۱) واجبة ۲) خَشَب ۳) مَطْعَمة

۴-

۱) تَغْرقُ ۲) تَدْخُلين ۳) تَجْلِسُ
۴) تَذْهَبين ۵) تَسْأَلُ ۶) تَكْذِبُ

۵-

ماضی	مضارع	نفی	مستقبل
شَربتْ	تَشْرَبُ	لا تَشْرَبُ	سوف تَشْرَبُ
رَجَعنا	نَرجِعُ	لا نَرجِعُ	سوف نَرجعُ
قَدَرَ	يَقدرُ	ما قَدَرَ	سوف يقدرُ
عاشَ	يَعيشُ	لا يَعيشُ	سوف يَعيشُ
فَهِمْتُ	أفْهَمُ	لا أفْهَمُ	سأفهَمُ

۶- گزینهٔ ۲

۷- گزینهٔ ۳

۸- متکلم وحده: أنا أسْألُ وَلَدی. / متکلم معالغیر: نَحْنُ نَسْألُ وَلَدنا.

۹-

۱) يعملُ / ۲) تَعْرفُ / ۳) يَلْعَبُ / ۴) تَنْفَعُ / ۵) نكتُبَ

آزمون (۱) ترم اول

-۱

۱) و ما به آنها ظلم نکردیم ولی آنها به خودشان ظلم کردند.

۲) غریب کسی است که دوستی ندارد.

۳) عقل حفظ کردن تجربه‌هاست.

-۲

۱) زبان عربی از زبان‌های جهانی است.

۲) عاقل به چپ و راست نگاه می‌کند سپس از خیابان عبور می‌کند.

۳) این رودخانه بسیار عمیق است تو باید برگردی.

۴) در مسابقه موفق شدم و جایزه گرفتم.

۵) کشاورزی کار مهمی برای پیشرفت کشور است.

-۳

۱) گزینهٔ ب ۲) گزینهٔ ب

-۴

الف) فلّاحٌ ب) فواکه

-۵

الف) أُمّ = والدة ب) یَصدق ≠ یَکْذِبُ

-۶

الف) چراغها ب) آشپز

-۷

الف) بِلاد ب) جار

-۸

ماضی: جَمَعْتَ / مضارع: تَجْمَعُ

-۹

۱) غَسَلْتِ ۲) ذَهَبْتُ ۳) أشربَ ۴) تَکْتُبَ ۵) نحن ۶) أبیک

-۱۰

الف	ب
وسیلةٌ لکتابة	القَلَم
مِهْنَتُها التّدریس	المدرّسة
ریاضةٌ محبوبةٌ عند الناس	کرةُ القَدَم
مکانٌ لجلوس الطّلاب	الصّفّ

-۱۱

۱) درست ۲) درست ۳) نادرست ۴) درست

۱۲-

۱) بیتهُم فی بِدایةِ شارع آزادی.

۲) هِیَ تَرجِعُ بَعْدَ الظّهر.

۳) هو موظَّفٌ.

۴) نَعم

۱۳- نعم، هو واقفٌ.

۱۴-

۱) الطّالبةُ ۲) عربیَ ۳) الشّرطیَ

آزمون (۲) ترم اول

۱-

۱) یکی از هم‌کلاسی‌هایش در حیاط مدرسه شروع به صحبت کرد.
۲) او کیف را حمل می‌کند و به روستای همسایه می‌رود.
۳) پزشک مریضان را با کمک معاینه خواهد کرد.
۴) و مابه آن‌ها ظلم نکردیم ولی آن‌ها به خودشان ستم کردند.

۲-

الف) برنج ب) مأموریت

۳-

الف) العصفور ب) الجاهل

۴-

الف) ۲ ب) ۲

۵-

الف) بله، البته، چه وقت آمدید؟
ب) پیشرفت در هر شغلی مهم است.

۶-

الف) أتی ≠ ذَهَب ب) قادم = مستقبل

۷-

الف) حَسِبَ ب) لذا

۸-

الف) نادرست ب) درست

۹-

الف) تَلْعَبُ ب) سَنَنْفَعُ ج) تَشْكُرين

۱۰-

الف) مثنای مؤنث ← خیاطتان
مفرد مذکر ← دَمْع
جمع مذکر ← مدرّسون

۱۱-

الف) أنتِ ب) أنا ج) هُما

۱۲-

تَطْلُبُ / يَذْهَبُ

۱۳-

الف) فی الصّف الثّامن ب) نَعم أعرف مدير المدرسةِ

کاربرگ ۹

۱-

۱) مدت دو هفته
۲) ماه‌ها
۳) زندگی دل‌ها و نور دیدگان
۴) بالا می‌رویم (صعود می‌کنیم)
۵) مأموریت اداری

۲-

۱) البته
۲) یکی از
۳) گنجینه‌ها
۴) سوم، سومین
۵) داناتر، داناترین
۶) پس از این‌که
۷) اشک
۸) میدان / حیاط
۹) گنجشک

۳-

الف) گزینهٔ ۲
ب) گزینهٔ ۱
ج) گزینهٔ ۱

۴-

دانش از مال بهتر است. دانش تو را حفظ می‌کند و تو مال و ثروت را نگهداری می‌کنی.

۵-

۱) ما نشناختیم
۲) می‌پذیرد
۳) بازی خواهی کرد
۴) ستم نکردم

۶-

۱) علم گنجینه است و کلید آن پرسیدن است.
۲) دانشمندان چراغ‌های زمین هستند.
۳) ای موسی آن چیست در دست راست؟
۴) نادان دروغ می‌گوید و انسان عاقل راست می‌گوید.
۵) مادرم غذای خوشمزه‌ای خواهد پخت و ما آن را خواهیم خورد.
۶) من دیروز رفتم و دوستم فردا می‌رود.

۷-

۱) صورة
۲) شارع
۳) کُرسیّ
۴) رسالة

۸-

الف) ۱) ذَهَبَ / ۲) یَصْدُقُ / ۳) جاهل / ۴) ماضی

ب) ۱) رأی / ۲) **مِهْنَة** / ۳) حبیب / ۴) بَساتین / ۵) بَیْت

کاربرگ ۱۰

۱-

۱) الزميلة، واجِبَها ۲) تكتُب ۳) أنتِ، واجبكِ

۴) أكتبَ ۵) نحن، واجبنا

۲-

الف) تَجْعَلُ ب) ما دخلَ ج) ما حملتْ / ما حملتَ

د) ما ظلمَ هـ) نلعبَ و) أصعدُ

۳-

۱) جاءت ۲) تأتی ۳) شَكَرَ ۴) ينظرَ

۴-

الف) هذه الأُمّ، مكانها ب) يحفظُ، درسه ج) نَقْرَأُ، هذه د) المؤمن، بيته

۵- گزینهٔ ۴

۶-

۱) اسم معلّمی نبوی. ۲) ألعبَ فی المدرسة. ۳) عمری إثنتاعشرة سنة.

۷- خزائن، أبصار، أنفس، أقمار

۸-

۱) كم ۲) أين ۳) من أيّ ۴) لماذا

۹- گزینهٔ ۲

۱۰- گزینهٔ ۱

کاربرگ ۱۱

-۱

۱) چهل ۲) هواپیما ۳) سردرد ۴) سفر / گردش
۵) درمانگاه ۶) انگشتر ۷) قرص‌های مسکن ۸) شب / بعد از ظهر

-۲

۱) آقای فتاحی کارمند است و همسرش پرستار است.
۲) آیا تو فشار خون یا بیماری دیابت داری؟
۳) خانم فاطمه گفت: احساس سر درد می‌کنم.
۴) خانوادهٔ آقای فتاحی با هواپیما مسافرت کردند.
۵) خانواده آقای فتاحی از کرمان به عراق رفتند.

-۳

الف) ۲ ب) ۲ ج) ۲ د) ۲

-۴

الف) الحبوب ب) اخوتُنا ج) تَعْرَفون د) الحافلة

-۵

۱) أذهبُ لزيارةِ مرقد الإمام الرضا (ع).
۲) نَكْتُبُ على اللّوح.
۳) عددُ أُسرتي سبعة.
۴) نَعَم، نَحْنُ غسلنا ملابسنا أمس.
۵) نَسْمَعُ صوتاً جميلاً.

-۶

۱) شاد نمی‌شوی ۲) می‌خوری ۳) راست خواهید گفت
۴) نمی‌بُرد ۵) می‌شویی ۶) موفق خواهی‌شد

-۷

۱) تطبَخنَ ۲) تَكْتُبان ۳) تَعْلَمون ۴) تَشْرَبان

-۸

۱) شب ۲) دوبار ۳) سر درد ۴) داری

-۹

۱) يا أبي و أُمّي أيْنَ تَذْهبان؟
۲) سافرتْ أسرةُ السيّد فتاحي إلى سورية.
۳) لاتَجْمَع الفلّاحَ الفواكهَ للبيبع.

کاربرگ ۱۲

۱-
۱) تَذهَبون ۲) تَجْلِسن ۳) نَطْلُبُ
۴) تَغْسلان ۵) تَرْجِعْنَ

۲-
۱) لماذا ۲) أيْنَ ۳) هل
۴) أيْنَ ۵) ما ۶) ماذا

۳-
يا صديقاتی تَعْبَرْنَ - أيّها الصُلَحاءَ تدْخُلون - أيّتها المعلّمتان تَرْفَعان - أيّتها المسلمات تتَنْظُرْنَ

۴-
۱) تَرْجِعان، كما ۲) تَعْبَدون ۳) أنتنّ
۴) يَطْلُبْنَ ۵) نَكْتُبَ

۵- «الأبناءَ فی الربیع تَدْخُلُون الحديقةَ و تَلْعَبون فيها»

۶-

فعل ماضی	مضارع	مضارع منفی	ماضی منفی
رَجَعْتُنَّ	تَرْجِعْنَ	لا تَرْجِعْنَ	ما رَجَعْتُنَّ
صَعِدْتم	تَصْعَدون	لاتَصْعَدون	ما صعدتم
غَسَلتا	تَغْسِلان	لاتَغْسِلان	ماغَسَلتا
نَصَرتم	تَنْصُرون	لاتَنْصُرون	ما نَصَرتُم

۷-
۱) أنتما ۲) أنا ۳) تَكْتُبان
۴) تَنْظُرون ۵) تَعْرَفْن

۸- گزینهٔ ۱

۹- گزینهٔ ۱

۱۰- گزینهٔ ۴

کاربرگ ۱۳

۱-

۱) بالا رفت، پیدا کردند ۲) جنگلی، رودها ۳) گرگ‌ها ۴) دو بازیکن

۲-

۱) پدران ۲) گرگ‌ها ۳) شادی

۴) بیمارستان ۵) داروخانه ۶) هیزم

۳-

الف) از دست دادن وقت، دردناک است.

ب) این دو زن برای بچه‌ها غذا می‌پزند.

ج) و پروردگارت به کسی ظلم نمی‌کند.

۴-

۱) ناامید نشد، کبوتری ۲) دوستانم، پشت

۳) تنیس ۴) سردرد، خواهیم رفت.

۵-

۱) الف ۲) ب ۳) الف

۶-

الف) تَفْعَلْن، نَزْرَعُ ب) تَذْهَبان، المرأتان ج) مَتَی، القادم

۷- خواهرانم / برگشتند.

۸- گزینهٔ ۲

۹- گزینهٔ ۳

کاربرگ ۱۴

-۱

۱) تَقْبلون

۲) عَرَفتما

۳) يَقُولون

۴) لَبِسْتُم

۵) تَدْخلن

۶) كَذِبتنّ

-۲

۱) أنتُم تَشْعُرون بالفَرَح اليوم.

۲) أنتنّ تَسْجُدن لربّكنّ دائماً.

۳) يا صديقان، أنتما تَنْهضَان مِنْ مكانِكما.

-۳

۱) نَلْعَبُ

۲) تَغْسِلان، وَجْهَكما

۳) الطّالباتُ، تَكْتُبن

۴) تُعالجن

-۴

۱) تَلْبِسُ / ۲) تَأكُلُون / ۳) يأكُلُ، تأكُلُ / ۴) تَطْبَخُ

-۵

(الف)	(ب)
تَرْفَعون	أولئک البنات
تَنْجَحنَ	أيّتها صديقتان
تَسْألين	أنتم ..... علم ايران بإفتخار
تَنْصَران	أنتَ
تَنْظُرَ	يا أُختى

-۶

۱) تَرْجِعُ / ۲) تَكْتُبين / ۳) تَرْزُقُ / ۴) تَلْبِسون / ۵) تَذْهَبن / ۶) تَعْبَدان

-۷

۱) اَخرجُ فى مساء

۲) آكلُ الفَطورَ فى الصّباح

۳) تَبدا فى نهايـة السّنـة

-۸

ماضی	مضارع	مستقبل
أنتم خرجتم	تَخْرُجون	سَتَخْرُجون
أنتما ذَهَبتما	تَذْهَبان	سَوْفَ تَذْهَبان
أنت صَعَدْتِ	تَصْعَدينَ	سَوْفَ تَصْعَدين
أنتنَّ عَرفتنَّ	تَعْرِفن	سَتَعْرِفنَ

۹- گزینهٔ ۱

۱۰- گزینهٔ ۴

کاربرگ ۱۵

۱-

الف) صاحب مزرعه از همسایه‌هایش کمک خواست.

ب) در روز دوم گنجشک از لانه خارج می‌شود.

ج) زنان غذا و نان را می‌آورند.

د) صاحب مزرعه می‌گوید: جمع کردن گندم را شروع خواهم کرد.

۲-

۱) تَلْعَبان / ۲) یَرْفَعْنَ / ۳) یَرْجِعْنَ / ۴) واجباتهما

۳-

۱) خویشاوندان / ۲) لانه / ۳) ارجمندی / ۴) ستاره / ۵) سفره / ۶) ترس، ترسیدن

۴-

الف) ۱ / ب) ۲ / ج) ۲ / د) ۱

۵-

الف) جوجه‌ها / ب) ستاره‌ای / ج) باز می‌گردد/ اتفاق افتاد / د) کار می‌کنید

۶-

۱) آن‌ها همسایه‌هایی تمیزند که حیاط خانه را می‌شویند.

۲) این کودکان میان درختان بازی می‌کنند.

۳) این رزمندگان برای یاری وطنشان خدمت می‌کنند.

۴) دانش‌آموزان در مورد علم شیمی سؤال می‌کنند.

۵) کسی در آسمان و زمین علم غیب را نمی‌داند مگر خدا.

۷-

۱) گندم / ۲) مهمانی / ۳) درو می‌کنند / ۴) می‌آورید / ۵) حاضر می‌شوند

۸- گزینهٔ ۲

۹- گزینهٔ ۱

کاربرگ ۱۶

۱-
۱) ندارد / ۲) کَتَبْتُما / ۳) خافت / ۴) جَمَعوا

۲-
۱) ماذا / ۲) کَمْ / ۳) هَلْ / ۴) مَتی

۳-
۱) یَزْرعان / ۲) ذَهبا / ۳) یَجْلِسون / ۴) یَخْدِمن / ۵) یَطْلُبون

۴-
۱) یَلْعَبون / ۲) یَرْجِعان / ۳) یَذْهَبْن / ۴) یَفْعلن

۵-
الف) یَسْمَعْنَ / ب) یَجْلَبون / ج) یَحْصُدان / د) یَعْمَلون / ه) تَجْمَع / و) یَتْعَبَ

۶-
۱) فی الفُنْدق / ۲) لا / ۳) فی‌النّهار

۷-
۱) العَلَم ۲) إلی المَسْتَوصف

۸-
۱) یَعْمَلون / ۲) یَرجِعونَ / ۳) أعرفُ / ۴) لا یَفْتَحْنَ

۹- «یَصْنَعون، یَجْلَبون، یَأکُلُون»

۱۰- گزینهٔ ۳

کاربرگ ۱۷

-۱

۱) شکوفه‌ها، گل‌ها ۲) کسانی‌که ۳) گناه ۴) ورزشگاه
۵) ناهار ۶) مسواک ۷) نیکوتر، نیکو ۸) چای
۹) مجاز ۱۰) پنج‌شنبه

-۲

الف) در روز پنج‌شنبه به سفری علمی خواهیم رفت.
ب) روز دوشنبه در ساعت هفت بر می‌گردیم.
ج) کجا صبحانه و ناهار و شام می‌خوری؟
د) مؤمنان راست می‌گویند و در زندگی دروغ نمی‌گویند.
ه) دو دختر سخن معلم را شنیدند و به آن عمل می‌کنند.

-۳

۱) یَجْمعان ۲) یَجْمعونَ ۳) تَسْمَعان ۴) یَذْهَبن

-۴

۱) ب / ۲) الف / ۳) ب / ۴) ب

-۵

الف) دندان ب) غذاخوری ج) زمین‌بازی / ورزشگاه د) حوله
ه) نیکوتر و) استان ز) گام‌ها

-۶

۱- الطّالباتُ سوف یذهبن لسفرةٍ علمیّـةٍ إلی شیراز.

۲- هَلْ عندک مُعْجم العربیّـة؟

۳- الفُرشاة شیءٌ لحفظِ صحّـة الأسنان.

-۷

۱) أزهار / ۲) ولّی / ۳) ذنب / ۴) ملاعب / ۵) مطاعم / ۶) أسنان

۸- گزینهٔ ۴

-۹

بیت الطائر ← العشّ، خاتم أُمّی ← فضّیٰ، یَبدأ نوروز ← بالرّبیع، طعام اللّیل ← العشاء

کاربرگ ۱۸

۱-
۱) تَدْخُلان / ۲) يَرْجِعُون / ۳) يَنْظُرون / ۴) يَكْتُبْن / ۵) تَجْمَعان

۲-
۱) إلى أين / ۲) كيف / ۳) بِمَ / ۴) أين

۳-
۱) يَسْمَعون / ۲) يَفْرحان / تَفْرحان / ۳) يَجْلسن / ۴) تَخْرَجان

۴-
۱) مسموحٌ / ۲) سريعاً / ۳) يَدْخُلون / ۴) الصّباح

۵-
۱) ندارد / ۲) يَدْخُلون / ۳) يَلْعَبن / ۴) يَسْجُدن

۶-

تَعْبُدون	أيّها المؤمنان
تَطْلُبْن	يا صديقتي
تَكْتُبين	ربّكم
يَرْفَعون	أيّها النّساء
يَسْجُدان	الأطفال
تَعْبُدان	الرّجلان

۷-
۱) هم / ۲) هما / أنتما / ۳) أنتنّ / ۴) هنّ

۸- گزینهٔ ۲

۹- گزینهٔ ۳

۱۰- گزینهٔ ۱

کاربرگ ۱۹

۱-

۱) دهم ۲) خرما ۳) نهم

۴) سفید ۵) یکشنبه

۲-

۱) بهترین کارها میانه‌روی در آن است.

۲) ما در این سال در کلاس هشتم هستیم.

۳) ما در سال گذشته در کلاس هفتم بودیم.

۴) فصل سوم سال، پاییز است.

۵) چاه مکانی پر از آب در دل زمین است.

۶) مرقد امام هشتم ﷺ در استان خراسان رضوی است.

۳-

۱) قطرهای جاری، دو چشم / ۲) صبحانه / ۳) دوازدهم / ۴) جایزهٔ طلایی

۴-

۱) استان / ۲) صبحانه / ۳) میوه‌ای

۵-

۱) تَکْتُبْنَ / ۲) الثّانی عَشَر / ۳) الأوّل / ۴) الحادی عَشَر

۶-

۱) طعامٌ تأکُله فی الصّباح	المسجد
۲) بیت الصّلاه عندالمسلمین	الثلاثاء
۳) الیوم الرابع فی الأسبوع	الفطور
۴) شهر الثانی عشر فی‌السنة	شتاء
۵) الفصل الرابع فی‌السّنة	إسفند

۷-

الف) ۱ ب) ۲ ج) ۱

کاربرگ ۲۰

۱-

۱) خریفٌ / ۲) المُستَوصف / ۳) الدّموع / ۴) رمّان / ۵) الربیع

۲- الثّانی، الخامس، السّابع، التّاسع، العاشر

۳-

۱) الأوّل / ۲) الثّالث / ۳) السّابع و التّاسع

۴-

۱) تَذْهَبْن / ۲) قَرَأنا / ۳) أشْرَبُ / ۴) یَطْرُق / ۵) یَکْتُبون / ۶) تَعْمَلُ
۷) أغسلُ / ۸) تَطْلُبان / ۹) یَسْمَعان

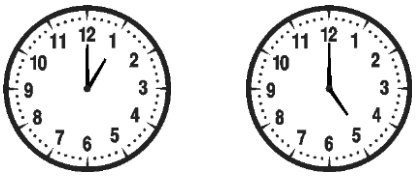
۵-

۱) الرّمان / ۲) التّمر / ۳) التّفاح / ۴) العِنَب

۶-

الف) الثانیـة ب) الثامنـة

۷-



آزمون (۱) ترم دوم

۱-

۱) فقط احساس سردرد می‌کنم.
۲) پشت کوه‌ها جهانی دیگر است.
۳) همسایه‌ها سمت چپ می‌نشینند.
۴) همگی برای این سفر زیبا خوشحال شدند.
۵) مثل‌ها و حکمت‌ها ارثیهٔ پدربزرگمان هستند.
۶) او دانش‌آموزی جدید در مدرسه است.

۲-

۱) دانش گنجینه‌هاست و کلید آن سؤال است.
۲) عقل شمشیری برنده است.
۳) سکوت طلا و سخن نقره است.
۴) امانت روزی می‌آورد.

۳-

۱) الف ۲) ب ۳) الف

۴-

خاتم / حَطَب

۵-

۱) شای ۲) لاعبة

۶-

۱) فَهِمْتُما ۲) رَفَعْتَ ۳) تَزرعینَ
۴) ترجَعُ ۵) تأکلنَ ۶) نَکتُب

۷-

یَصْدق ≠ یکذب مِهْنَة = شغل

۸-

فعل ماضی: رأیت فعل مضارع: یدخلون

۹-

اسم ریاضة ← کرة القَدَم عددٌ بعد الخامس ← السّادس
مفرد إجابات ← إجابة یَطبخُ الطّعام ← طبّاخ

۱۰-

۱) السیّدة موسوی ۲) لا، أنا بِنت ۳) الطّبیب ۴) البارد

۱۱-

۱) درست ۲) درست ۳) نادرست ۴) نادرست

۱۲-

۱) إلی العراق ۲) بالحافلة ۳) درست ۴) نادرست

آزمون (۲) ترم دوم

۱-

الف) سی و چهار　　ب) خالی

۲-

شاهد = رأی　　أبیض ≠ أسود

۳- عُشّ

۴- نُصوص

۵-

الف) ۱　　ب) ۲

۶-

الف) سردرد / نسخه‌ای　　ب) خوشابحال / مهمانی

۷-

الف) در این استان آبشارهای زیبایی است.

ب) خاموشی طلاست و سخن نقره است.

ج) من ورزشکارم و دوست دارم تنیس روی میز را.

د) قطعاً خداوند می‌آمرزد (می‌بخشد) همه گناهان را.

۸-

۱) سَتَذْهَبْنَ　　۲) نَبْحَثُ　　۳) تأکلینَ

۴) ذکرا　　۵) تَجمعون　　۶) حَصَدتُ

۹-

افعال: سوف تصیرُ: خواهی شد / لایَظلِمُ: ستم نمی کند / طَلَبَتْ: خواست / یَظْلمون: ستم می‌کنند

۱۰-

جمع مکسر: زملاء / جمع مؤنث: شجرات / جمع مذکر: واقفون / مثنی مؤنث: مرأتان

۱۱-

الف) اولئک　　ب) هذه　　ج) تَطْبَخُ　　د) یَرجعان

۱۲-

الف) نام دانش‌آموز　　ب) أنا إیرانیَ

ج) لِلإمتحان　　د) هُما بِخیر ـ الحمدالله

۱۳-

الف) درست　　ب) نادرست　　ج) نادرست　　د) درست

۱۴-

الف) اهواز　　ب) مساء یوم الثلاء　　ج) بالحافظة　　د) أربعة أیّام